

قصه‌های شهر

صدایی که نبودیم



گیتی صفرزاده

● هفته قبل هم‌سرم گفت یک مرکز توسعه گردشگری برای حضور در یک جلسه عمومی دعوت‌مان کرده است. با اینکه حسد می‌زدم این جلسه عمومی یک جلسه معرفی و به دنبالش فروش خدمات هتل و تور باشد اما از آنجا که حس کنجکاوی و امید به یافتن چیزهای جدیدتر هنوز فعال‌ترین حس موجودم است، پیشنهاد همسر را لیبیک گفتم و در روز موعود راهی هتل برگزاری جلسه شدیم. حدمس درست بود و یک‌ساعتی شنونده صحبت‌های مجری مراسم برای آشنایی با گروهی شدیمی که طبق گفته‌های خودشان (و راست و ناراستش هم پای خودشان!) هم باعث ساخت هتل‌های جدید و نوآورانه در ایران شده بودند. هم امکانات سفر آسان را فراهم کرده، هم به رونق گردشگری خارجی کمک کرده بودند و هم در کارآفرینی برای جوانان این مرز و بوم نقشی ایفا کرده بودند. اگر این‌همه «بود» که در حمله قبلی آوردم اعصاب‌تان را به‌هم‌نریخته باشد، این را هم اضافه می‌کنم که جمله این فعالیت‌ها را خوشبختانه همچنان ادامه می‌دهند و با مهارت و نظم خوبی حضارن در جلسه را به تعداد زیادی مشتری و مسافر نقد تبدیل کردند. اما جدا از کل ماجرا جمله‌ای در سخنان مجری مراسم (که مشاور مدیرعامل شرکت هم بود) توجهم را جلب کرد. ایشان همان‌طور که داشت ما جماعت حاضر را به سفر تشویق می‌کرد و برای ایجاد شور و رغبت بیشتر تصاویری از هتل‌های خودشان در نقاط مختلف ایران را نشان می‌داد، ضمن اشاره به یک بنای قدیمی که به هتل تبدیل شده بود، گفت سازه این بنا هزار سال قدمت دارد، آن وقت بعضی‌ها چنین جایی را رها می‌کنند و برای سفر به هتل کشوری می‌روند که کل طول عمر آن کشور به ۶۰ سال هم نمی‌رسد.

الحق والانصاف جمله دلنشینی بود. یک لحظه حسمی از غرور وطن‌دوستانه سرپایی وجودم را فرا گرفت، با خودم فکر کردم آن مردم بی‌انصافی که قدر فرهنگ و هنر و داشته‌های خودشان را نمی‌دانند، کجا هستند و ناخودآگاه در ذهنم آدم‌های دوست و آشنای اطرافم را مرور کردم. یاد افتاد در همان هفته یکی از دوستانم بعد از یک سال انتظار، تاتاری را که کار کرده و قبل از این جایزه جهانی برده، به روی صحنه تاتار شهر برده است. یک آشنای دیگر به یادم آمد که در آن هفته دست تنها و با هزینه شخصی یک جلسه در یکی از خانه‌های قدیمی شهر درباره مسائل شهری برگزار کرد. یاد گسروه فرهنگی دیگری افتادم که سایت معرفی کتاب به پا کرده‌اند و چند روز قبل یک جلسه برای گفت‌وگوی ناشران و مخاطبان به راه انداختند. در خاطرم ناشر آشنایی آمد که باز هم در همان هفته انبارش را به کتاب‌فروشی و کافه تبدیل کرد و مراسم رونمایی برای مؤلف جوانش گرفت. یاد همه این کارهای خوب افتادم و با خودم گفتم وای بر من که مردمم را از این کارهای خوب مطلع نکرده‌ام تا این ادامه‌دهندگان فرهنگ و تلاش هزارساله را رها نکنند و سراغ توریسم‌دها نروند. دست به گوشی شدم تا مطلبی بنویسم، اطلاع‌رسانی کنم، خبر بدهم که... یاد افتاد نت ندارم. گوشی را دوباره داخل جیبم گذاشتم و در خیالمن آن کشور -۶۰ساله را دیدم که صدای ۶۰ساله مرمنش از داخل نت در همه جهان پخش می‌شد. صدای مجری مراسم در گوشم پیچید: شما صدای ما باشید و بگویید چه کارهایی برای کشورمان باشید.

پرنده آبی

غلبه پول بردرستی

● ساشا بارن کوهن، کم‌دین انگلیسی، گفته است که اگر فیس‌بوک در دهه ۱۹۳۰ وجود داشت، احتمالاً به هیتلر اجازه می‌داد زمینه عقاید ضدیهود خود را فراهم کند. او همچنین از گوگل، توئیتر و یوتیوب به دلیل فشارآوردن و افزایش احساسات پوچ‌گرایانه به میلیاردها نفر انتقاد کرد. درحال حاضر غول‌های رسانه‌های اجتماعی و شرکت‌های اینترنتی تحت فشار فزاینده‌ای برای جلوگیری از گسترش اطلاعات غلط در مبارزات سیاسی قرار دارند. توئیتر اواخر ماه اکتبر اعلام کرد که در این هفته تمام تبلیغات سیاسی فیس‌بوک در زمینه این موضوع می‌کند. در اوایل این هفته نیز گوگل اعلام کرد که به تبلیغ‌کنندگان سیاسی اجازه نخواهد داد که رای‌دهندگان را با استفاده از تبلیغات براساس مرورگرها یا دیگر عوامل هدف قرار دهد. تحلیلگران می‌گویند که فیس‌بوک تحت فشار بیشتری قرار گرفته است تا از این روند پیروی کند. فیس‌بوک در بیانیه‌ای اعلام کرده که «ما فعالیت‌های افرادی را که از خشونت طرفداری می‌کنند، ممنوع می‌کنیم و هرکسی را که از آنان یا این شیوه ستایش یا از آن حمایت می‌کند، حذف می‌کنیم. هیچ‌کس -ازجمله سیاست‌مداران- نمی‌تواند از فساد، خشونت یا جنگ و کشتار جمعی در فیس‌بوک دفاع کند یا تبلیغاتی در این زمینه انجام دهد». البته این بیانیه فیس‌بوک همچنان نتوانسته فشارها بر این شبکه اجتماعی را کاهش دهد؛ چراکه زاک‌برگ از انتشار تبلیغات سیاسی حمایت می‌کند و اعلام کرده «اگر مبلغ آنها را پرداخت کنید، فیس‌بوک هر نوع تبلیغی [سیاسی] را اجرا می‌کند؛ حتی اگر دروغ باشد».

شترق روزنامه

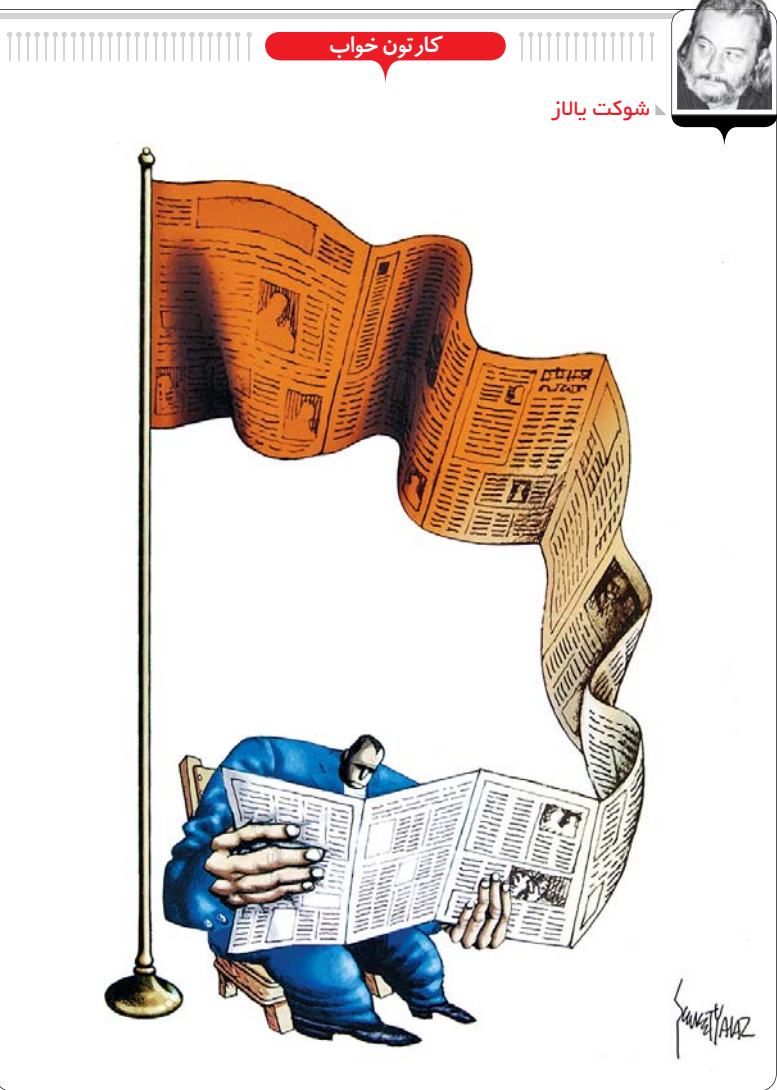
www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۵ آذر ۱۳۹۸ • ۲۸ ربیع‌الاول ۱۴۴۱ • ۲۶ نوامبر ۲۰۱۹ • سال هفدهم • شماره ۳۵۸۱ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۱:۵۱ • اذان مغرب ۱۷:۱۲ • اذان صبح فردا ۵:۲۳ • طلوع آفتاب ۶:۵۱

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

شوکت یالاز



روزهای نارنجی

دعوت کیدمن پایان خشونت علیه زنان

هلی آبتادی: روز ۲۵ نوامبر را روز جهانی رفع خشونت علیه زنان نام‌گذاری کرده‌اند. بسیاری از نهادها و فعالان زن در گوشه و کنار جهان برای رفع خشونتی که اکنون از هر سه زن یک نفر درگیر است، تلاشی را آغاز کرده‌اند. در کنفرانس مطبوعاتی‌ای که به این مناسبت در بخش زنان سازمان ملل متحد برگزار شد، تاکید شده تمرکز امسال بر تجاوز و خشونت جنسی است. سازمان ملل متحد متعهد است به هر گونه خشونت علیه زنان و دختران خاتمه دهد. به گفته آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل، «اجازه دهید فراموش نکنیم نابرابری‌های جنسیتی که موجب تشدید امر تجاوز می‌شود، اساسا در مسئله عدم توازن قدرت نهفته است. انگ، تصورات غلط، عدم گزارش‌دهی و اجرای ضعیف قوانین تنها موجب دائمی‌شدن بی‌کیفرمانی می‌شود».

اودری پامی از همه دولت‌ها، بخش خصوصی، جامعه مدنی و مردم خواسته است «همسنگی قوی‌تری نسبت به بازماندگان، حامیان و مدافعان حقوق زنان نشان داده و حقوق زنان و برابری فرصت‌ها را ارتقا بخشیم. با هم می‌توانیم و باید به تجاوز جنسی از هر نوع خاتمه دهیم». شعار امسال «ایستادن در برابر تجاوز» است. چندین رویداد در سراسر جهان، ازجمله راهپیمایی‌ها، مسابقات هنری، راهپیمایی‌های دوچرخه‌سواری و ماراثن‌ها به عنوان بخشی از فعالیت‌های گسترده سازمان ملل برای ۱۶ روز نارنجی - فعالیت در برابر رفع خشونت - برگزار می‌شود. در این برنامه سالانه سازمان ملل متحد دولت‌ها و مردم هماهنگ با هم برای خاتمه خشونت علیه زنان تا ۲۰۳۰ تلاش می‌کنند. رنگ نارنجی برای نشان‌دادن امید و آینده روشن‌تر و بدون خشونت علیه زنان انتخاب شده و موضوع امسال لزوم پایان‌دادن به «فرهنگ تجاوز جنسی» را برجسته می‌کند؛ موضوعی که در جهان، چه در شرایط درگیری، صلح، چه در خانه‌ها و چه در خیابان‌ها، باعث درگیری است. علی‌رغم کمپین‌های جهانی متعددی که در سال‌های اخیر از طرف آسپ‌دیدگان و فعالان با هشتگ‌هایی نظیر #MeToo، #TimesUp... شکل گرفته است اما خشونت جنسی همچنان عادی شده و در محیط‌های اجتماعی جریان دارد. به گزارش سایت سازمان ملل، خشونت علیه زنان و دختران در همه کشورها زیاد و کم ادامه دارد و با دلالی‌ی همچون بی‌اهمیت‌شدن تجاوز؛ قربانی‌شدن شخص مورد تجاوز قرار گرفته و مقصر شناخته‌شدن او، تجاری‌شدن بدن زنان در فیلم یا تلویزیون؛ زرق‌وبرق‌زدگی خشونت مرسوم در تبلیغات یا استفاده مداوم از زبان مغلوب برای زنان، همه ما روزانه شاهد این تجاوز هستیم. اما فراموش نباید کرد گاهی اوقات حتی سکوت و خاموشی در برابر اتفاقاتی که رخ می‌دهد، بخشی از گناه است و همه ما مسئولیت تلاش برای توقف این شرایط را داریم. نیکول کیدمن که

مینو مرتاضی‌لنگرودی

عصر پاییز و هوا به‌قاعده سرد است و از مراسم ختم مادر یکی از دوستانم برمی‌گردم. نزدیک ایستگاه مترو زنی کوتا‌ه‌قد درحالی‌که برای پوشاندن صورتش چادر را تا جایی که جا دارد جلو کشیده، کنار سطل بزرگ زباله روی انگشتان پا ایستاده است و با زحمت زیاد درون سطل را واری می‌کند. پسرک نوجوانی که قد و بلایش مانند نهال نارس سبیدار بلند و باریک و کشیده است و کونی کثیفی پسر دوش دارد، کمی آن‌طرف‌تر نظاره‌گر است. کمی این‌پا و آن‌پا می‌کند و به سوی زن می‌رود. دلشوره می‌گیرم مبدا یا بر سر زباله دعوا شود و جوانک نگذاذر زن سهمش را از زباله بردارد؟! خودم را نزدیک زن می‌سانم. زن بی‌اعتبا به هر آنچه اطرافش می‌گذرد، برای بیرون‌کشیدن سید نایلونی کوچک می‌کند؛ معلوم است که تازه‌کار است. با خجالت اما حمایتگرانه کنارش می‌ایستم و آهسته‌س می‌گویم خسته نباشی. در همان حال زیر لب جواب می‌دهد: «درمونده نباشی خواهر». از اینکه مرا خواهر می‌نامد و متوجه حضور حمایتگرم می‌شود، خوشحال می‌شوم. پسرک نزدیک شده و از بالای سر هر دوی ما نگاه می‌کند درون سطل می‌اندازد. به آرامی و سادگی سید را از زیر انبوه کیسه‌های زباله خارج می‌کند و به زن می‌دهد و زن لیخندی از سر حیا و مهربانی می‌زند و با همان صدا و لهجه‌ای که مرا خواهر نامید به پسرک می‌گوید: «خیر از جوونی‌ات ببینی بچم» و پسرک بار دیگر سطل را می‌کاود و کمی، دو قوطی فلزی و پلاستیک نوشابه را از سطل

خارج می‌کند و به سوی زن می‌گیرد. زن تعارف می‌کند برای خودت بردار. جوان فیلسوفانه سری تکان می‌دهد و با صدای بم زیباییش می‌گوید مادر برای همه ما زباله به اندازه کافی هست. از رفتار فانتزی و حمایتگرانه‌ام شرم می‌کنم. به نظر حمایتگری از نوع در کنار سطل زباله ایستادن و مراقب خود بودن، به‌نجوی‌که مبدا آلوده زباله شوی و در عین حال زُست مراقبت از زنی فقیر و زباله‌گرد را بگیری که به‌زحمت روی دو انگشتش لاید متورم پاهایش آستاده است و سطل زباله را برای یافتن روزی و



هادی مرزبان

در چنین شرایطی که مردم به خون نیاز دارند، چه بهتر که خودمان متوجه این نیاز باشیم و بتوانیم هرچه زودتر در کنار مردم قرار بگیریم و این‌گونه نیازشان را برطرف کنیم. روزی هم ما در جایی دیگر محتاج خواهیم شد و همین مردم به ضرورت درک و درایت اجتماعی‌شان متوجه ما و ضرورت‌هایمان خواهند شد و به دادمان خواهند رسید. ما نمی‌توانیم گوش‌هایمان را بر ندای مردم ببندیم و باید همواره در جامعه حضور پررنگی داشته باشیم و بتوانیم برای همدیگر مفید باشیم. معتقدم اگر بتوانم کاری برای دیگران بکنم، حتما باید این کار را بکنم و پیش از این هم از اهدای خون ایده کمک‌کردن به دیگران را مد نظر داشتم. همین دو سال پیش بود که جراحی کلیه داشتم که نیازمند خون شدم و

نکته

نقش سیاسی گوجه‌فرنگی

گوجه‌فرنگی را در خیابان فاطمی با قیمت ۱۸ هزار تومان می‌فروشند. هر سؤالی از فروشنده هم با این جواب روبه‌رو می‌شود که خودم چند هزار تومان ارزان‌تر خریدم؛ من نباید سود کنم؟ اما در بیشتر شبکه‌های اجتماعی اعلام شده که این محصول در بسیاری از مناطق بین هشت هزار و ۵۰۰ تومان تا ۱۴ هزار تومان به فروش می‌رسد. اینکه چرا این اتفاق افتاده دلایل مختلفی از سرما تا کمبود بنزین مطرح شده است اما انتشار فیلمی از گوجه‌هایی که برای تغذیه کوسفتند و گاوها رها شده، داغ بسیاری را تازه کرده و این مسئله نیز به بی‌برامکی‌های دیگر منتسب شده است. فارس نیز در بخش پیام‌های مردمی نوشته در این چند روز که بنزین گران شده است مسئولان محترم قول داده‌اند بازار را مدیریت کنند. افزایش ناگهانی قیمت گوجه‌فرنگی نشان می‌دهد که هیچ آمادگی‌ای برای کنترل قیمت نیست و اخلاکران بازار از گوجه شروع کرده‌اند. به نظر شما مسئولانی که نتوانستند قیمت گوجه را مدیریت کنند آیا خواهند توانست بازار را مدیریت کنند و جلوی گرانی اجناس را بگیرند؟

روند افزایش ناگهانی قیمت‌های برخی از اقلام خوراکی امسال از عید آغاز شده است. یک بار سیب‌زمینی‌ها به عراق برده شده و بار دیگر پیاز ناپدید می‌شود. اما گوجه‌فرنگی در فرهنگ سیاسی ما نقش بسزایی بازی کرده است، جمله تاریخی که محمود احمدی‌نژاد درباره ارز‌باز بودن گوجه‌فرنگی در نارمک- محل سکونتش در آن سال‌ها - گفته بود، در ذهن‌ها مانده است.

سلام به فردا

حمایتگری از جنس پس‌ماند

برسند و در مقام و موقعیت خود بمانند. این قبیل حمایت‌های به‌دردنخور و ناکارآمد جز تحقیر و تثبیت استضعاف برای حمایت‌جویان ندادار. از همین‌رو است که سال‌هاست با اندوه بسیار در سوگ انسانیت و زنانگی و مردانگی‌هایی نستسته‌ایم که در پای انواع خشونت‌های ندامین و بنیادین و انواع تبعیض‌ها، به‌ویژه تبعیض‌های جنسیتی، قربانی‌ شده و مرده‌اند. کارشناسان امور اجتماعی و جامعه‌شناسان همچون مدح‌خوانان بر سر گورهای جمعی جمعیت رو به افزایش زنان فقیری که زنده‌زنده در فقر و زباله و انواع آسیب‌ها دفن شده‌اند، می‌خوانند و در بلندگوها می‌دمند که در یک دهه گذشته زنان هم فقیرتر شده‌اند و هم میزان فقر مطلق در میان آنها بیشتر شده است. در عهد مشرکان و بت‌پرستان دختران را از خوف نداری و فقر و تمامی آسیب‌های وارده از فقر-که بر زنان آوار می‌شد، به محض تولد زنده‌به‌گور می‌کردند و امروز دختران ظاهرا هنگام تولد زنده‌به‌گور نمی‌شوند. اما هر روز بخشی از زنان و دختران هموطن‌مان را می‌بینیم که زیر آوار فقر و تحقیرهای ناشی از انواع آسیب‌های اجتماعی، سیاسی و خانوادگی زنده‌به‌گور می‌شوند؛ زانی سرشار از حق و نیازهای برآمده از حق، اما بدون حقوق؛ زنایی که اگر احساس کنند خرده‌مانی دارند و اندکی رفاه، فورا از او می‌خواهند سهمی از شوهر و درآمد را با زنی دیگر شریک و هوو شود، تا مبدا زنی با برخورداری از عدالت و عشق و رفاه احساس حمایت‌شوندگی‌اش را از دست بدهد و بر پای خود بایستد. تا مبدا چیزهای دیگر از قبیل قدرت اقتصادی و سیاسی و خانوادگی طلب کند. پس حمایتگری‌های اجتماعی و خانوادگی از آنها هم دقیقاً باید از جنس پسماندها و دورریزهای احساسی و از نوع پکیج‌ها و سبدهای صدقات، جمع‌آوری و مصرف

شود. دیروز روز جهانی منغ خشونت علیه زنان بود. روح خواهران میرابل یا پروانه‌ای شاد، جهان اما امروز جهان زنان مملو از خشونت‌های به‌مراتب پیچیده‌تر و بی‌رحم‌تر از دوران گذشته است. انواع خشونت‌ها در ساختار قدرت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جوامع به نحو پیچیده‌ای نهادینه شده است. برای خلاصی از آنها عزم و اراده جهانی لازم است. هر نقطه از کره‌زمین در اصل به جهانی سرشار از خشونت و تبعیض تبدیل شده است که از دیود و تد ملول است و انسانش آرزو است.



پس‌ماند اجتماعی

در جست‌وجوی آرامش

ما به هم محتاجیم

عضو هم کمتر کار کرده است. اگر صداسیما کم‌کار است، مردم باید خودشان در این زمینه کار کنند. همین که روزنامه «شرق» و دیگر مطبوعات کشور درباره این مهم می‌نویسند، فرهنگ‌سازی است. مردم متوجه نیکوکاری‌های لازم می‌شوند و می‌دانند که زنجیروار به هم محتاجیم و اگر امروز گرّه از کار دیگران بکشایند حتماً روزی دیگر، این گرّه برای خودشان گشوده خواهد شد. ما نمی‌توانیم در میان جمع باشیم و در فردیت خودمان غوطه بخوریم و ندانیم که دیگران چه نیازها و ضرورت‌هایی دارند. در حالی که اهدای خون یک ضرورت و وظیفه مهم اجتماعی است که نه ترسی دارد و نه ضرری پس از مرگ بدمن در اختیار آزمایشگاهی قرار بگیرد اما مفید و مؤثر باشد. ما می‌توانیم با اهدای خون، متوجه مسئولیت اجتماعی‌مان شویم که این‌گونه می‌شود برای سلامت یک جامعه حرکت کرد. در نبود آن نهادهای مؤثر فکر می‌کنم حضور مردم در چنین حرکت‌هایی یک عامل محرک برای پیشرفت در امور فرهنگی و پیشبرد امور انسانی خواهد بود.

برخی از اهل خانواده‌ام آمدند که خون اهدا کنند. در حالی‌که اگر اهدای خون یک فرهنگ عمومی باشد، همه به دنبالش خواهند بود. این کار ضمن آنکه به لحاظ اخلاقی، روحی و روانی آرامش‌بخش است؛ می‌تواند تضمین‌کننده سلامت ما هم باشد. هر وقت برای اهدای خون رفته‌ام، هیچ خطر و تهدیدی وجود نداشته و خیلی زود هم بدن در شرایط بهبودی قرار می‌گرفته و انگار نه انگار اتفاقی افتاده است. اهدای خون، اهدای عضو و هر امر مهمی از ضرورت‌های روزگار ما هستند. جمعیت رو به رشد بوده و نیاز به چنین چیزهایی همیشه احساس می‌شده است. من که خودم دوست دارم پس از مرگ بدمن در اختیار آزمایشگاهی قرار بگیرد یا در شرایط خاص به اهدای عضو فکر کرده‌ام، به هر حال بدن که زیر خاک می‌پوسد چه بهتر که بشود از آن استفاده بهتری برای خدمت به خلق کرد.

نقش صداسیما در فرهنگ‌سازی می‌تواند مؤثر باشد اما هرگز این سازمان حضور کارآمد و مؤثری در امور مهم انسانی نداشته و در زمینه اهدای خون و

اتفاق

آنتی‌بیوتیک‌ها را دور نریزد

ایسنا: مدیرکل دفتر نظارت و پایش مصرف فراورده‌های سلامت سازمان غذا و دارو ضمن تشریح نحوه امحای خانگی آنتی‌بیوتیک‌های تاریخ‌مصرف‌گذشته، گفت: باید توجه کرد که آنتی‌بیوتیک‌هایی که دور می‌ریزیم، بسیار خطرآفرین بوده و منجر به مقاومت میکروبی می‌شوند؛ چراکه وقتی می‌گوییم تاریخ مصرف یک دارو گذشته، ۱۰ درصدش از بین رفته و ممکن است موادش به مواد سمی تبدیل شده باشد، اما ۹۰ درصد موادش وجود دارد. حال وقتی وارد طبیعت می‌شود و از آنجایی که آنتی‌بیوتیک‌ها اکثراً به صورت محلول در آب هستند، از طریق باران، آب‌های زیرزمینی و... وارد خاک و آب آشامیدنی شده و تصفیه نمی‌شوند و بدون اینکه اطلاع داشته باشیم، از طریق حیوانات و گیاهان وارد چرخه خوراک مردم می‌شوند و مقاومت میکروبی ایجاد می‌شود. از یک طرف استفاده غیرمنطقی و غیراصولی آنتی‌بیوتیک‌ها در دامپزشکی هم به مقاومت میکروبی کمک می‌کند. دکتر مهرزاد خیراندیش تاکید کرد: مردم آنتی‌بیوتیک‌های تاریخ‌گذشته‌ای را که در خانه دارند، می‌توانند با روش کیسوله‌کردن، به درستی امحا کنند؛ به‌طوری‌که آنها را در پاکت‌های مخصوص بسته‌بندی‌شده قرار داده و رویشان نوشته شود که در آنها آنتی‌بیوتیک است و سپس تحویل قسمت بازیافت شهرداری دهند تا از سوی شهرداری به صورت مناسب امحا شوند. شهرداری این آنتی‌بیوتیک‌ها را داخل بتون می‌ریزد که نتوانند وارد فضای آب و خاک شوند و از زمان آنها را دفع می‌کنند.